



# ثبت حقیقت

چرا جشنواره «سینما حقیقت» پایتخت سینمای مستند ایران است

سعید مروتی

هفدهمین جشنواره سینما حقیقت چند روز پیش به ایستگاه پایانی رسید. جشنواره‌ای که در روزهای برگزاری‌اش مجتمع چارسو را پاتوق فعالان و علاقه‌مندان سینمای مستند کرده بود. جشنواره‌ای که شلوغی و رونق جزو ویژگی‌های بارز آن است. داستان نمایش فیلم‌ها و برپایی کارگاه‌ها و دیدارهایی که هر سال اواخر آذرماه تازه می‌شود. سال‌هاست که داستان سینمای مستند ایران را نمی‌توان بدون «سینما حقیقت» روایت کرد؛ جشنواره‌ای که فقط مهم‌ترین اتفاق سال سینمای مستند نیست و یکی از دلایل اصلی رشد کمی و کیفی تولیدات این حوزه است. بیش از یک دهه است که نبض سینمای مستند ایران با «سینما حقیقت» می‌تپد. درصد قابل توجهی - اگر نخواهیم بگوییم همه - از فعالان سینمای مستند، به امید حضور در این جشنواره است که فیلم می‌سازند. مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویایی، به عنوان مهم‌ترین متولی

فیلم مستند در کشور، هم وظیفه مشارکت و حمایت از تولید را برعهده دارد و هم مسئولیت برگزاری جشنواره را. محصول یک سال تعامل و تلاش فعالان سینمای مستند، سازمان‌ها و نهادهای تولیدکننده فیلم مستند و نهاد سیاستگذار (مرکز گسترش...) در طول یک هفته روی پرده می‌رود و تهران در انتهای آذر پایتخت سینمای مستند می‌شود؛ جشنواره‌ای که فقط محل نمایش فیلم و معرفی برگزارندگان نیست و بیش از هر چیز یک آیین است. هر جشنواره‌ای برای موفقیت نیازمند رسیدن به جایگاه مراسمی آیینی است. یک آیین جمعی که همه شرکت‌کنندگان در آن - از فیلمساز و مهمان تا داور و تماشاگر - در آن حضور می‌یابند تا تنفس در اتمسفر لذتبخش را تجربه کنند. همه آن ایستادن در صف‌ها برای ورود به سالن نمایش فیلم‌ها و گپ‌های سرپایی و دیدارهایی که پس از یک سال تازه می‌شود، حال و هوایی را می‌سازد که بدون آن جشنواره مراسمی بی‌روح و کم‌حاصل است. تجربه ۱۶ دوره

برگزاری «سینما حقیقت» نشان می‌دهد که برپایی جشنواره برای سینمای مستند، واجب‌تر از نان شب است. جشنواره‌ای که از فیلمساز تا تماشاگرش را از سراسر کشور گرد هم می‌آورد آیین است و فیلم‌ها آیینی هستند برابر حقیقت. تلاش برای ثبت حقیقت با همه چالش‌ها و دشواری‌هایش، حالا دیگر یک روند است؛ رودخانه‌ای است پر جوش و خروش که هیچ تغییر و تحول سیاسی اجتماعی و آمدن و رفتن مدیران نتوانسته متوقفش کند. تأثیر از شرایط اجتماعی، غیر قابل انکار است - و اگر نیمه پر لیوان را ببینیم، این خود می‌تواند نشانه‌ای باشد از پویایی سینمای مستند ایران - و ریزش و رویش‌های سینمای مستند ایران هم گاهی محصول همین تغییر و تحولات بوده است. فیلم مستند و سینما حقیقت در گذر سال‌ها به جایگاه و منزلتی رسیده که تا امروز که به برگزاری دوره هفدهم رسیده‌ایم از آن سسقوط نکرده است. طبیعی است که هیچ جشنواره‌ای نتواند به صورت مداوم، در اوج بماند و بدیهی است که

یک دوره از دوره قبلی یا بعدی‌اش کمی ضعیف‌تر یا بهتر باشد. آنچه اهمیت دارد و «سینما حقیقت» به آن دست یافته، حفظ استاندارد است که آسان به دست نیامده است. «سینما حقیقت» طبیعتاً آیینی تمام‌نمای سینمای مستند نیست و نمی‌تواند باشد. هیچ جشنواره‌ای جز جشنواره فیلم فجر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ آیینی تمام‌نمای تولیدات سالانه نیست. جشنواره اما می‌تواند و باید ویرین‌ترین نمایش بهترین‌ها باشد؛ اتفاقی که در حد مقدور و ممکن در مورد «سینما حقیقت» رخ داده است. داستان آبرو و اعتبار جشنواره از همین جا می‌آید؛ از احترام توأمان سیاستگذار و فیلمساز و تماشاگر. «سینما حقیقت» سقف مشترکی است که همه آنها را که دلشان برای فیلم مستند می‌تپد گرد هم می‌آورد تا فیلم‌ها تماشا، نشست‌های تخصصی و کارگاه‌ها برگزار و مواجعه رودرروی فیلمساز و مخاطب برپا شوند. این مهم‌ترین رخدادی است که در حوزه سینمای مستند ایران برگزار می‌شود.